خالی از شوخی

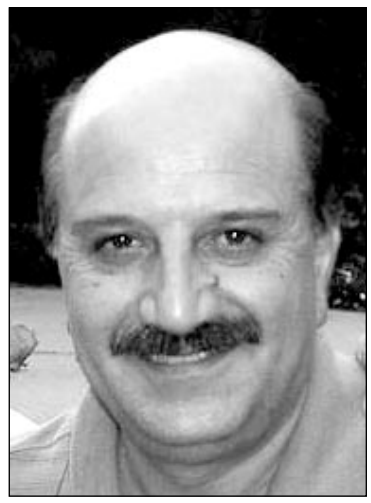

مسعود ناصری
massoudnassei@comcast.net

خبر دیگری از انتخابات ۲۰۰۸ آمریکا

در تب آغاز رقابت‌های انتخاباتی برای ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا یک کاندید جدید هم ممکن است به صف بقیه متقاضیان بپیوندد. این شخص که این روزها نقطه توجه تمام رسانه‌های خبری آمریکایی گشته آقای مایکل بلومبرگ، شهردار فعلی نیویورک، است که بعد از جولیانی، شهردار قبلی، که او هم کاندید ریاست جمهوری شده مشغول بررسی شانس خود برای پیروزی در انتخابات می‌باشد. آقای بلومبرگ به علت سابقه کار درخشان خود به عنوان شهردار نیویورک به خصوص در مورد مبارزه با جرایم و جنایات، بهبود سیستم آموزشی مدارس و تبدیل بودجه منفی شهرداری به رقمی مثبت و قابل توجه، شانس زیادی برای رقابت دارد. آن‌چه که در کارنامه او به عنوان تک ماده امتحانی از سوی محافل سیاسی عنوان شده تغییر عضویت او در احزاب مختلف سیاسی (ابتدا دموکرات، بعد جمهوری‌خواه و اکنون مستقل) می‌باشد. نکته دیگری که کارشناسان انتخاباتی به عنوان نقطه ضعف برای آقای بلومبرگ برشمرده‌اند یهودی بودن اوست که قبلا این مسئله در کمپین سیاسی آل گور به علت انتخاب سناتور «لیبرمن» هم باعث مشکلاتی گشته بود. البته انتخابات سال ۲۰۰۸ با انتخابات سال ۲۰۰۰ (بوش علیه آل گور) خیلی تفاوت دارد چون کاندیداهای قوی دیگری چون میت رامنی، ایالت‌دار ماساچوست، مذهب «مورمون» (که بسیار غیرمسیحی شمرده می‌شود) را یدک می‌کشد و آقای براک اوباما را به مسلمان بودن متهم کرده‌اند و نیوت گینریچ را به «ک.ک.ک» (اگر آن را نوعی مذهب به حساب آوریم) چسبانده‌اند.

آن‌چه که به نظر من آقای بلومبرگ را یک سر و گردن بالاتر از بقیه کاندیدها قرار می‌دهد ثروت افسانه‌ای اوست که می‌گویند متجاوز از ۲۰ میلیارد دلار است (و احتمالا تا روز انتخابات بیشتر هم خواهد شد). من مطمئن هستم که با این ثروت افسانه‌ای اگر ایشان برای هر آمریکایی یک بسته ۱۲ تایی آبجو بخرد میلیون‌ها رای بدون خرج کردن حتی یک سنت برای کمپین و تبلیغات به دست خواهد آورد. تقسیم ۲۰ میلیارد به ۱۵ دلار، پول یک دوجین آبجو، را به عهده شما می‌گذارم تا تعداد رای‌دهندگان او را محاسبه کنید!

اقتصاد ایران در چرخ‌گوشت احمدی‌نژاد

احمدی‌نژاد روز یک‌شنبه اخیر درباره عملکرد اقتصادی دولت خود به خبرنگاران گفت: من اطلاعات اقتصادی و آمارهای خود را از قصاب محله‌ام می‌گیرم و بر اساس گفته‌های اوست که از مسائل عمق جامعه آگاه می‌شوم! او گفت که به جای فرمول‌ها و شاخص‌های پیچیده مصطلح در غرب باید از اصطلاحات عامی و مردمی استفاده کرد. او گفت که دولت باید به جای کسر بودجه از اصطلاح دنبه، به جای صادرات از اصطلاح پاچه، به جای واردات از اصطلاح سیرابی، به جای گزارش اقتصادی سالانه از پشم و پیله و به جای موازنه نرخ دلار از اصطلاح دنبلان استفاده کند. او ضمن اشاره به این‌که قصاب محله او بیشتر از ۵۷ اقتصاددانی که عملکرد دولت را زیر سئوال برده‌اند (و ادعا می‌کنند که اقتصاد مال خر نیست) سواد اقتصادی دارد، گفت: «من تمام این اقتصاددان‌ها را به چالش می‌طلبم. تنها شرط من این است که در این مناظره و چالش اکبر آقا، قصاب محله ما، حضور پیدا کند و چاقوی خودش را هم همراه بیاورد!

شایع شده که «آلن گرین اسپن»، رییس سابق بانک مرکزی آمریکا، که اکنون در دوران بازنشستگی به سر می‌برد از احمدی‌نژاد درخواست کرده که شغل کوچکی در قصابی محله رییس جمهوری اسلامی به او بدهند و این شغل حتی اگر خوراندن آشغال گوشت به گربه‌ها هم باشد برای او از لحاظ آکادمیک بسیار باارزش خواهد بود!

خبر ورزشی

شانس میزبانی ایران برای مسابقات فوتبال جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۱۱ بر باد رفت. ایران برای میزبانی این مسابقات با دوکشور عمده دیگر ـ هندوستان و قطر ـ رقابت می‌کرد. آخرین خبر این است که کنفدراسیون فوتبال آسیا به علت این‌که مدارک تقاضای میزبانی ایران به مقر این کنفدراسیون نرسیده، ایران را کنار گذاشته است. این کنفدراسیون در نامه‌ای به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی متذکر شده که حتی در صورت دریافت مدارک، به علت قوانین جمهوری اسلامی در مورد جلوگیری از حضور زنان در استادیوم و اجباری بودن پوشش اسلامی برای مهمانان خارجی، واجد شرایط بودن ایران بسیار غیرمنطقی به نظر می‌آمده است. در ایران می‌گویند که مسئولین دولت آن‌قدر مشغول جور کردن مدرک و سند برای آژانس اتمی هستند که وقتی برای فراهم کردن مدارک مسابقات فوتبال نداشته‌اند. آن‌ها به شوخی اضافه می‌کنند که حتی بعید نیست احمدی‌نژاد شخصا به کنفدراسیون فوتبال آسیا رشوه داده که بگویند مدارک نرسیده است!

سئوال موقوف

طبق قانون جدید تصویب شده مجلس و تایید شده از سوی آقا از این به بعد انتقال صورت دارایی مسئولان و مدیران دولتی به دیگران جرم محسوب شده و مجازات نقدی و حبس خواهد داشت. با این حساب لیست محتکران اقتصادی و مسئولان فاسد دولت که روز اول انتخابات احمدی‌نژاد به رییس جمهوری در جیب او قرار داشت باید از آن‌جا در آمده و آن را در کوزه بگذارند. حالا واعظ طبسی می‌تواند نیمه دیگر خراسان را صاحب شود و رفسنجانی قادر خواهد بود تمام مراکز خرید کانادا را بدون دردسر خریداری نماید. با خواندن خبر این قانون نمی‌دانم چرا بی‌اختیار یاد یک فیلم ایتالیایی افتادم که در آن پسر بچه به دنبال گرفتن کلید از دست خانمی چاق و چله بود تا با آن بتواند از اتاق فرار کند و به چنگ آن عجوزه نیافتد. ناگهان زن کلید را با خنده‌ای شیطانی در هوا تکان داد و بعد آن را صاف انداخت توی سینه‌بند بزرگ و گشادش!

مرگ مهستی

در این هفته خبر مرگ مهستی، خواننده قدیمی، از خبرهای مهم اینترنت و ماهواره‌های ایرانی بود. این خبر بالاخره سلانه سلانه به ایران هم رسید و آه و فغان بسیاری از دوستداران این خواننده بلند شد.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی این خبر را به عنوان یکی از اخبار مهم جاسوسی و فضولی در کار ایرانیان خارج از کشور در میان گزارش‌های هفتگی خود به اطلاع محمود احمدی‌نژاد، رییس جمهوری اسلامی، رسانید.

آن‌ها از احمدی‌نژاد پرسیده بودند که در مورد این خبر فوت چه عکس‌العملی نشان دهند؟ احمدی‌نژاد که گویا تصور کرده منظورشان «مهستی»، شاعره فمنیست ایرانی، است از دست وزارت امور خارجه حسابی عصبانی شده که چرا این اخبار را این‌قدر دیر به دفتر او می‌رسانند! بعدا به او توضیح داده بودند که اخبار‌رسانی آن‌ها بسیار هم سریع است و منظورشان مهستی، خواهر خانم هایده خواننده دیگر ایرانی، است. احمدی‌نژاد از طریق دفترش پیامی به ایرانیان مقیم خارج فرستاده و گفته: با این‌که این خواننده را نمی‌شناسم (چون اهل گوش کردن به موسیقی نیستم) ولی اعلام عزای عمومی در لوس‌آنجلس از سوی دولت اسلامی بلامانع می‌باشد!

برگ دیگری از قانون جدید مهاجرت آمریکا

بر سر تصویب قانون جدید مهاجرت آمریکا هنوز هم جار و جنجال برپاست و مثل توپ پینگ‌پنگ بین جناح جمهوری‌خواه و دموکرات به چپ و راست می‌رود. یکی از مواد این قانون که سر و صدای بسیاری از خارجیان مخصوصا مکزیکی‌ها را درآورده این است که خارجیان در صورت ملحق شدن به نیروهای سه‌گانه دریایی، هوایی و زمینی خود به خود می‌توانند سیتی‌زن آمریکا شوند. نمایندگان اقلیت مکزیکی از قانون‌گذاران لایحه جدید مهاجرت خواسته‌اند که به علت وجود جنگ عراق و افغانستان و خطرناک بودن خدمت سربازی این بند قانون را فعلا حذف نمایند. آن‌ها پرسیده‌اند اگر آمیگوهای ما که حاضرند برای ماندن

The Next Stage®
WELLS FARGO HOME MORTGAGE
EQUAL HOUSING LENDER

براي تحقق آرزويتان به ما ايمان داشته باشيد

زيرا كه ما يكى از تأمين كنندگان پيشرو وام مسكن در سراسر آمريكا هستيم.

امير بهنام ايزديار
مشاور وام مسكن
تلفن همراه: 410-900-6470
800-824-5194 Ext. 2684
بر روى اينترنت فرم درخواست را پر كنيد:
WWW.BenIzadyar.com

کانون دوستداران فرهنگ ایران
IRANIAN CULTURAL ASSOCIATION
P. O. BOX 1455, ANNANDALE, VA 22003-9455

محل برگزاری جلسات :
Marshall Road Elementary School
730 Marshall Rd., Vienna, VA 22180

در محل جدید در وی‌ینا

دوشنبه ۲ جولای (۱۱ تیر):
روایت جنبش زنان ایران
سخنران: آذر درخشان (مقیم فرانسه)

در محل جدید در وی‌ینا

ترتیب برنامه: ساعت ۷، صرف چای و شیرینی و دیدار دوستان؛ ساعت ۷ و نیم: شروع برنامه
تلفن اطلاعات کانون: ۱۶۵۱-۸۱۷-(۷۰۳)
E-mail: kanooneiranian@hotmail.com **www.kanooneiranian.org**

اشتراک هفته نامه «ایرانیان»
نشریه‌ای که می‌پسندید و به آن ارج می‌نهید
Subscribe To *IRANIANS* Weekly Publication

	One Year (52 Issues)	6 Months (26 Issues)	
USA	$120.00	$65.00	ایالات متحده آمریکا
Canada*	180.00	97.00	کانادا
Europe*	260.00	140.00	کشورهای اروپایی
Iran & Middle East*	250.00	130.00	ایران و خاورمیانه

YES! Please enter a ☐one year, ☐six months subscription to *IRANIANS* in the following name

Name .....
Address.....
City.....
State.....Zip.....

☐ **Payment Enclosed**

لطفا فرم بالا را پر کرده همراه چک خود در وجه Iranians به نشانی زیر بفرستید:

Washington Iranians Media, Inc.
P. O. Box 2023
Ashburn, VA 20146

* کلیه وجوه ارسالی از کشورهای اروپایی، خاورمیانه، ایران و کانادا می باید به دلار آمریکایی بوده و به شکل Money Order یا چک یکی از بانک های آمریکایی موجود در ایالات متحده باشد.

در آمریکا به هر کاری دست بزنند به عراق فرستاده شوند و آن‌جا کشته شوند تکلیف چه خواهد بود؟ قانون‌گذاران به معترضین قول داده‌اند که دو بند جدید را به لایحه خود اضافه کنند. اول این‌که جنازه شهیدان مکزیکی را از آمریکا «دیپورت» نکنند و دوم این‌که خانواده بازمانده می‌تواند مدارک و مشخصات سربازان فوت شده را در بازار سیاه «مکزیکو سیتی» به دیگر شهروندان آن منطقه بفروشند و پول خوبی دربیاورند! دعوا هنوز ادامه دارد.

کار چه کسی بود؟

دیروز همین‌طور که داشتم روزنامه را ورق می‌زدم رسیدم به این مطلب که «شیخ فهمی ناجی»، یکی از امام‌های مزغل مسجدهای استرالیا، در آخرین نطق خود که به مناسبت انتخاب او به عنوان مفتی جدید استرالیا ایراد کرده به خبرنگاران و حضار گفته که «بن‌لادن در عملیات ۱۱ سپتامبر هیچ نقشی نداشته است!»

بعد از خواندن این خبر بلافاصله مطمئن شدم که شک و تردیدهای قبلی من آن‌چنان بی‌جا و بی‌دلیل نبوده و در زیر کاسه ۱۱ سپتامبر یک نیم‌کاسه هم وجود داشته است. از خودم پرسیدم اگر این کار بن‌لادن نبوده پس کار چه کسی بوده؟ خود جورج بوش ساعت ۸ تا ۱۰ صبح ۱۱ سپتامبر برای بچه‌های کودکستانی در فلوریدا کتاب می‌خوانده است. دیک چینی هم که طبق معمول هر روز برای شارژ باتری قلبش در بیمارستان بوده. آلیور نورث برای تعطیلات به سواحل نیکاراگوئه رفته بوده و صدام حسین هم مراسم اعدام کردها را از تلویزیون دولتی بغداد تماشا می‌کرده است. تنها به یک نفر شک داشتم و آن هم عمه‌ام بود! بلافاصله تلفن را برداشتم و به عمه‌ام در ایران زنگ زدم. وقتی که گوشی را برداشت با عجله پرسیدم: عمه جان، می‌شه بگی روز ۱۱ سپتامبر بین ساعت ۸ تا ۱۰ صبح کجا بودی؟ جوابم را نداد و به جایش از پماد رماتیسمی که برای او و قرص‌های ویاگرایی که برای شوهرش فرستاده بودم تشکر کرد. دوباره سئوالم را تکرار کردم.

او با همان آرامش مخصوص عمه‌های ایرانی پرسید: پسر جان، من یادم نیست که دیروز چکار کردم، حالا تو از ۱۱ سپتامبر می‌پرسی؟ تقریبا مطمئن شدم که کار خودش است و مرا سر کار گذاشته و دروغ می‌گوید. خیلی با او کلنجار رفتم ولی اصلا اعتراف نمی‌کرد و می‌گفت که حتی عکس برج‌های دوقلوی نیویورک را ندیده است. آخرش از اصرارهای من عصبانی شد و گفت که صبح آن روز شوهر عمه‌ام دیر به سر کار رفته و او تمام مدت با او در تختخواب مانده بود. اولش حرفش را قبول نکردم ولی وقتی که وارد جزییات شد و داستان آن روز صبح را برایم گفت گوشی را گذاشتم و در این معما باقی ماندم که واقعا ۱۱ سپتامبر کار چه کسی بوده است؟ عمه شما آن روز کجا بوده؟

صیغه برای همه

پورمحمدی، وزیر کشور جمهوری اسلامی، که انگار کاری غیر از اداره کشور ندارد به این فکر افتاده که امر صیغه موقت را در تمام اقشار و ابعاد جامعه ایران اسلامی گسترش دهد. او از مجلس و دولت خواست که سریعا قوانین تسهیلات صیغه را سر و سامان بخشیده و به مرحله اجرا بگذارند.

او در آخرین نطق خود دلایل زیر را برای توجیه صیغه موقتی برشمارد:

۱۰ ـ زنان بی‌شوهر دارای سرپرست می‌شوند، حتی به صورت موقتی.

۹ ـ دوست پسر و دختر گرفتن که پدیده‌ای غربی است از میان برداشته خواهد شد.

۸ ـ به صنعت هتلداری ایران به علت اجاره اتاق بیشتر کمک خواهد شد.

۷ ـ زنان خیابانی کمتری به خیابان‌ها خواهند رفت.

۶ ـ اقلیت‌های مذهبی ایران به علت صیغه هم که شده به اسلام خواهند گروید.

۵ ـ ایرانیان مقیم خارج از کشور بیشتر به ایران مسافرت خواهند کرد.

۴ ـ زنان و دختران کمتری به دوبی و کویت فرار خواهند کرد.

۳ ـ به صنعت کاندوم‌سازی ایران کمک خواهد شد.

۲ ـ امراض مقاربتی از جمله ایدز کاهش پیدا خواهند کرد.

و دلیل شماره یک: دانشجویان سرشان با سکس گرم شده و موی دماغ دولت نخواهند شد!

وجه تشابه ایران و آفریقا

محمود احمدی‌نژاد، رییس جمهوری اسلامی، در دیدار با «آلفا عمر کناره»، رییس اتحادیه کشورهای آفریقا، گفت که جمهوری اسلامی و آفریقا دارای یک احساس همبستگی واحد و مشترک هستند.

او به آلفا عمر گفت: «آفریقا فقیر نیست، مظلوم است!»

آقای آلفا عمر ضمن تشکر از سخنان احمدی‌نژاد گفت: مظلوم بودن برای ما مهم نیست، مهم این است که ما فقیر هستیم! او از این‌که ایران قرار است چندین کارخانه دمپایی‌سازی در کشورهای آفریقایی تاسیس کند از رییس جمهور ایران تشکر کرد و موارد مشترک بین کشور ایران و قاره آفریقا را برای حضار به صورت زیر برشمارد و آن‌ها را حسابی تحت تاثیر قرار داد:

۱۰ ـ مردم ما و شما هر دو سبزه و برشته هستند!

۹ ـ ما هم مثل شما فقیر هستیم!

۸ ـ مردم سرزمین ما هم مرتب در حال فرار به کشورهای دیگر هستند!

۷ ـ هر دوی ما با آمریکا و انگلیس در حال مبارزه هستیم!

۶ ـ ما هم مثل شما فقط با پول توریست‌ها درآمد مازاد ایجاد می‌کنیم!

۵ ـ ما هم مثل شما در تعمیم و گسترش دین اسلام تلاش می‌کنیم!

۴ ـ ما هم مثل شما چیزی داریم که همه دنیا به دنبال آن هستند: طلا، نفت و الماس!

۳ ـ ما هم مثل شما فقیر هستیم (دوباره تکرار شده)

۲ ـ همه دنیا می‌خواهد ما را استثمار کند!

۱ ـ هر دو روی حجاب اجباری زنان توافق داریم!

شوخی عکسی

ـ آقای حداد عادل انکار زیرتان خیس شده!

او در پایان عکس چند زن آفریقایی که نیمه لخت بودند و فقط الیاف و شاخه‌های درخت برخی از اندام آن‌ها پوشانده بود و در حالی‌که روسری‌های مشکی به سر داشتند، را به حضار نشان داد و با تشویق آنان مواجه گردید.

تاکسی برای خارجیان

اکنون بعد از گذشت چندین ماه از سفرهای تاریخی آقای احمدی‌نژاد به کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب بخصوص ونزوئلا و کوبا می‌توان دریافت که ایشان با دست پر از این مسافرت‌ها به ایران بازگشته و از نصایح و حقه‌های بابا «کاسترو» و برادر «چاوز» بسیار سود جسته است. سیستم آپارتاید که به وضوح در کوبا و سایر کشورهای فقیر و به اصطلاح ضدامپریالیست مشاهده می‌شود آرام آرام چهره خود را در سیستم سیاسی و اقتصادی ایران نشان می‌دهد. در کوبا هتل‌ها و رستوران‌های درجه یک و همچنین فروشگاه‌هایی که فقط دلار قبول می‌کنند منحصر به خارجیان و توریست‌هاست و اگر یک شخص کوبایی را در این محل‌ها بگیرند تکه بزرگش گوش او خواهد بود. کوبایان بی‌نوا و بدبخت با حسرت از پشت شیشه‌های هتل‌های مجلل که توسط کانادایی‌ها و اسپانیایی‌ها ساخته شده به توریست‌هایی که در نهایت رفاه و آسایش در سرسرای هتل با درجه حرارت مطبوع قدم می‌زنند و یا آن‌هایی که آن طرف‌تر در رستوران هتل غذاهای گران‌قیمت می‌خورند، نگاه می‌کنند و آه می‌کشند.

اگر آن‌ها بپرسند جنگ ما با امپریالیسم یعنی این؟ بلافاصله در عرض چند دقیقه دستگیر شده، کتک خورده و غیب می‌شوند. در ایران هم وضع به چنین صورتی تبدیل گشته است. بعد از ایجاد تسهیلات توریستی در جزیره قشم و کیش و ایجاد وضعیتی مانند کوبا و سایر کشورهای متظاهر به حفظ حقوق شهروندان خود جمهوری اسلامی قدمی دیگر برداشته و تاکسی‌های جدید و مخصوصی برای خارجیان توریست به خیابان‌های

بقیه در صفحه ۳۸

ماناسس حلال میت

سومین مغازه «افغان مارکت» افتتاح شد

در شعبه سوم «افغان مارکت» انواع مواد غذایی افغانی، ایرانی، عربی و هندی، انواع برنج‌های باسماتی، نان‌های افغانی و ایرانی، انواع ساندویچ‌های خوشمزه، گوشت حلال، سبزیجات تازه و میوه‌های فصل، چای، قهوه، لبنیات، حبوبات، انواع شیرینی‌جات تر و خشک، خشکبار، حلوا ارده، نقل، پشمک، گز، سوهان، بستنی و فالوده، جدیدترین کاست‌ها، سی‌دی‌ها، دی‌وی‌دی‌ها و ویدیوهای موسیقی و فیلم‌های افغانی، ایرانی، عربی و هندی، انواع روزنامه‌ها، مجلات و کتب فارسی‌زبان، انواع اجناس لوکس، وسایل تزئینی و بسیاری دیگر از اقلام مورد نیاز افغانان و ایرانیان محترم، با نازل‌ترین قیمت‌ها، عرضه می‌شود.

نشانی سومین شعبه «افغان مارکت» در منطقه ماناسس، ویرجینیا:

Manassas Halal Meat

8519 Manassas Drive, Manassas Park, Virginia 20111

(بین جاده ۲۸ جنوبی و ماناسس پارک)

Phone: 703.366.3338

خانم کاندولیزا رایس چه می‌گوید؟

بقیه از صفحه ۱۳

هم نیست.

پس منظور خانم رایس از واقعیت‌گرایی آمریکایی چیست؟ تامین منافع ملی آمریکا در پهنه سیاست خارجی اعمال شده در ایران و منطقه خاورمیانه به چه صورتی تحقق یافته است؟

خانم رایس ضمن استدلال خود گفت برخی درمورد این‌که تئودور روزولت رییس جمهوری اسبق آمریکا پدر روحانی «آرمان‌گرایی پیشرو» بوده و یا این‌که او یک آرمان‌گرای واقعیت‌گرا بوده است اختلاف نظر دارند و پرزیدنت هاری ترومن در نخستین روزهای جنگ سرد به اتفاق وزیران امور خارجه‌اش، جورج مارشال و دین آچسن، از همین آرمان‌ها پیروی می‌کرد و هم اکنون جورج بوش همان آرمان‌ها را در سیاست‌های خود در زمینه‌های بازرگانی خارجی و کمک‌های خارجی و ترویج دموکراسی و همچنین در جنگ‌های افغانستان و عراق به کار بسته است.

خانم رایس اظهار داشته است که «کمک کردن به دولت‌ها که بتوانند وسایل گذر خود را از وضعی که دارند به وضع بهتر فراهم کنند و اوضاع خودشان را اصلاح کنند واقع بینانه‌ترین برخوردی است که آمریکا با آن مواجه است.»

خانم رایس از تدی روزولت جمهوری‌خواه و ترومن دموکرات به عنوان دو نمونه و مدل برای حکومت جورج بوش نامبرد ولی از رونالد ریگان رییس جمهور جمهوری‌خواه و محافظه‌کار نامی نبرد.

وزیر امور خارجه آمریکا همچنین مشتاق بود که همین مهر و انگ را به روابط خارجی آمریکا بزند که می‌دانیم در این زمینه (روابط خارجی آمریکا) بین صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد و این نظریه مورد اختلاف می‌باشد.

مثلا به دنبال دوشقه شدن حکومت فلسطینیان خانم رایس با شتاب پیشقدم شد که ۴۰ میلیون دلار فورا به محمود عباس کمک برساند. البته این کمکی بود که مدت‌ها حکومت مشترک محمود عباس با «حماس» منتظرش بودند اما وقتی داده می‌شود که «حماس» از کابینه محمود عباس بیرون رفته است و ما نباید فراموش کنیم که حماس برنده اکثریت آرا در انتخابات بود و مشروعیت او از دیدگاه دموکراسی به مراتب بیشتر از محمود عباس بود. و یادمان نرفته خانم رایس بر اساس دکترین پرزیدنت بوش قرار است سیاست خارجی‌اش مبشر و برقرار کننده دموکراسی در فلسطین و خاورمیانه و ایران باشد و با واقعیت‌گرایی عمل کند. پس چطور در مورد حاکمیت دموکراتیک «حماس» که منتخب اکثریت مردم فلسطین بود عمل نمی‌شود. ضمنا این سئوال مطرح می‌شود که همین عمل نکردن به سیاست دموکراتیزه کردن و تبعیض قایل شدن آیا تامین کننده منافع ملی آمریکا خواهد بود یا نه؟

به گمان من وقتی دولت معظمی مثل آمریکا اصول واقعیت‌گرایی و تامین منافع ملی و حقوق بشر و استقرار دموکراسی در کشورهای مختلف جهان را دکترین خود می‌داند چگونه می‌تواند به طور تبعیض‌آمیز عمل کند و مدعی باشد تبعیض او از روی واقعیت‌گرایی صورت گرفته است. به این نمونه‌های تاریخی توجه بفرمایید:

۱ ـ حکومت دکتر محمد مصدق در ایران که دموکراتیک بود و برای توسعه دموکراسی هم به شدت با وجود دربار خائن و سایر عوامل انگلیس و روس فعالیت می‌کرد، با کودتای خائنانه در ۱۹ آگوست ۱۹۵۳ برانداخته شد.

۲ ـ حکومت سالوادر آلنده در شیلی که دموکراتیک بود و برای توسعه دموکراسی هم به شدت با وجود انواع دسیسه‌های دولت آمریکا و کمپانی‌های مس «آناکوندا» و مخابراتی «آی.تی.تی» فعالیت می‌کرد و از آغاز هم با رای اکثریت مردم شیلی انتخاب شده بود برانداخته شد.

۳ ـ حکومت دست‌نشانده آمریکا و انگلیس در ایران توسط محمدرضا شاه فضای باز سیاسی را پذیرفته و مشغول پیاده کردن نظریات جیمی کارتر بود معهذا آن هم برانداخته شد و آمریکا و انگلیس به جایش یکی از مخوف‌ترین و آزادی‌کش‌ترین و دزدترین و جانی‌ترین نوع حکومت را به ملت ایران تحمیل کردند که هنوز مردم ایران در داخل و خارج در زیر ستمگری‌های این حکومت دست و پا می‌زنند و راه‌های رهایی هم به رویشان بسته شده است.

پس ادعاهای خانم رایس از هر حیث پوچ و بی‌پایه است و سیاست خارجی آمریکا همیشه دوپهلو و یک بام و دو هوا و تبعیض آمیز بوده است و می‌بینیم که هنوز هم هست و تفسیر و یا تعریف خانم رایس ماهیت و طبیعت سیاست خارجی یک‌طرفانه و زورچپان و در مواردی تجاوزکارانه ایالات متحده را تغییر نخواهد داد.

به دنبال پایان دوران نخست وزیری تونی بلر در انگلستان سخن از این است که به بلر پست واسطه و یا رابط سازمان ملل متحد در خاورمیانه داده شود. رسانه‌ها اطلاع می‌دهند که این انتصاب با پرزیدنت بوش و خانم رایس هم در میان گذارده شده و موافقت آنان هم جلب شده است. اگر چنین باشد به جرات بایستی گفت که این انتصاب لطمه بزرگی به سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه وارد خواهد کرد چون نفرت و انزجار مردم خاورمیانه از سیاست‌های استعماری انگلیس به حدی است که سوءظن آن‌ها نسبت به دولت انگلیس تا ابد فرو نخواهد نشست و حتی نفرتی که آمریکا نزد مردم خاورمیانه اعم از عرب و یا غیر عرب و مردم شبه قاره هند و پاکستان بدان دچار شده است ناشی از همکاری‌ها و همدستی های سیاست خارجی آمریکا با انگلیس می‌باشد پس چطور انتصاب تونی بلر می‌تواند از واقع بینی آمریکایی ناشی شده باشد و چگونه ممکن است فعالیت‌های یک دولتمرد انگلیسی با خاطره ذهنی که مردم منطقه از او و کشورش دارند منافع ملی آمریکا را تامین کند. آن هم در شرایطی که بزرگترین توهین و دهن‌کجی و لجبازی و تحقیر از سوی دربار و دولت انگلستان در همین روزهای اخیر به کلیه مسلمانان جهان وارد آمده است. اعطای لقب «سر» به سلمان رشدی خصمانه‌ترین و منافقانه‌ترین عملی است که یک دولت مانند انگلستان که جیره‌خوار مسلمانان بوده و هست و در طول ۳۰۰ سال اخیر وجود انگلستان و مردمش در سایه بازرگانی و پول‌های سپرده کشورهای مسلمان و نفت‌خیز حفظ شده، انجام داده است. همین حالا اگر عربستان سعودی به تنهایی به داد و ستد خود و قراردادهایش با انگلیس خاتمه بدهد از غذای ملت انگلیس یک وعده فورا کسر می‌شود.

از سوی دیگر پرزیدنت بوش دکترین دو دوره ریاست جمهوری خود را مبارزه با تروریسم اعلام داشته و اخیرا هم سرکوبی افراطیون مسلمان و ترویج اسلام ستیزی را هدف دیگری قرارداده است . پرسش اساسی و نهایی این است که همگامی سیاست خارجی آمریکا با انگلستان در چنین شرایطی معقول و واقعیت‌گرایانه است؟ و مآلا تامین‌کننده منافع ملی ایالات متحده می‌باشد یا نه؟ آیا این سیاست خارجی با همگامی با انگلستان و اسراییل جنگ‌افروزانه از کار در نمی‌آید؟ و آیا جنگ افروزی واقعیت‌گرایی مردم آمریکا است؟

ده سال پیش در اوج نفرتی که به خاطر پشتیبانی‌های آمریکا و انگلیس از اقدامات تجاوزکارانه اسراییل پیدا شده بود پرنس چارلز، ولیعهد انگلستان، در دانشگاه «آکسفورد» سخنرانی مبسوطی در زمینه وحدت اهداف ادیان و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان همه ادیان ایراد کرد و به نزدیکتر شدن روابط ملت‌ها و جامعه‌ها با داشتن هر نوع اعتقاد دینی تاکید کرد. آیا ویران کردن اماکن متبرکه مسلمانان و اعطای نشان شوالیه به دشمن سوگند خورده مسلمانان و تقدیر و تجلیل از وی با اصولی که از آن‌ها یاد شد مطابقت دارند؟

بنابراین نتیجه‌گیری ما چنین است که بازی با «الفاظ» و به‌کارگیری دیپلماسی «حرف» به منظور پیشبرد مقاصد آمریکا و اروپا در سراسر جهان با انواع دورویی‌ها و فریبکاری‌ها همچنان ادامه خواهد داشت.

نظرات و پیشنهادات خود را از طریق پست الکترونیکی
iranians@iraniansnewspaper.com
برای ما ارسال فرمائید

لبخند مردم ایالات متحده

بقیه از صفحه ۱۰

حقوق طبقاتی است. و ساختمان پلورالیستی جامعه سرمایه‌داری در آن محفوظ می‌ماند. شناسه سوسیالیسم تامین رفاه اقشار پایین و برگشت‌ناپذیر بودن حقوق اجتماعی آن‌هاست. در این چهارچوب، سرمایه‌داری تقدم ساختار سوسیالیستی را می‌پذیرد و این به سازش ملی که بنیاد دموکراسی است معنای تازه‌ای می‌دهد. مشروط کردن جامعه سوسیالیستی به از میان رفتن سرمایه‌داری، پلورالیسم، دموکراسی و سازش ملی را بی‌معنا می‌کند. و بشر را به خارج از تاریخ می‌راند.

بسیاری از انتقادهای سوسیالیست‌های سنتی به دموکراسی درست‌اند. آنچه نادرست است این است که ضعف‌ها و انحراف‌ها بی‌طرفانه دیده نمی‌شوند. دیده بر آن‌ها خیره می‌شود تا حقانیت سوسیالیسم بسته بندی شده را از آن‌ها بیرون بیاورد. و این یعنی باور داشتن به سوسیالیسمی بیرون از دموکراسی؛ سوسیالیسم بعنوان آلترناتیو دموکراسی.

پی‌آمد سوسیالیسم بسته‌بندی شده، پیدایی شخصیت ضدامپریالیستی است که ویژگی روانشناختی و اخلاقی آن فرا رفتن فرد از مخالفت به حق با امپریالیسم است. مخالفتی که قائم به ایدئولوژی نیست. تجلیات امپریالیستی در این برش از زمان شیوه مبارزه ضدامپریالیستی رایج را توجیه نمی‌کند. حضور نظامی آمریکا در شصت کشور جهان محصول یک سیاست شبه‌امپریالیستی است. (شبه‌امپریالیستی و نه امپریالیستی زیرا با موافقت دولت‌های محلی همراه است.) ولی مخالفت با آن تنها در چهارچوب دموکراسی پلورالیستی شکل می‌گیرد. در حالیکه هدف مبارزه ضدامپریالیستی رایج، دموکراسی در حرف و دیکتاتوری در عمل است. که با یکی از سه پسوند: سوسیالیستی، مذهبی یا خلقی تجربه شده است.

امروز دیگر با نظریه ضدامپریالیستی نمی‌توان خالق یک جریان جنبشی و ملی شد. گروه‌هایی که با خصوصیت ضدامپریالیستی به منظور ایجاد یک جریان جنبشی به دور هم گرد می‌آیند و پس از مدتی دچار بحران می‌شوند، راز شکست خود را که یک تناقض ریشه‌ای است نمی‌توانند بشناسند. این جریان‌ها در برخورد با جمهوری اسلامی چنان رادیکال‌اند که ایرانیان مقیم خارج را در دو دسته از هم جدا می‌کنند: آن‌هایی که سابقا پناهنده بودند و اکنون به ایران رفت و آمد می‌کنند؛ و آن‌هایی که استفاده از امکان رفت و آمد به ایران را، که دست آورد مبارزه و فشار داخلی و جهانی است، نادرست و افتادن به دام فریب‌های جمهوری اسلامی می‌دانند. اما مبارزه جنبشی ناچار باید گروه بسیار وسیعی را در بر بگیرد. پس نباید کسانی را که تنها گناهشان سود جستن از عقب نشینی جمهوری اسلامی و استفاده از حقوق خودشان است، طرد کند. از سوی دیگر این جریان نمی‌تواند هم این گروه را به خود جلب کند و هم ضد امپریالیست بماند. ضدیت با امپریالیسم ـ آمریکا ـ هم تبلور و هم خاستگاه رادیکالیسمی است که یک جلوه دیگر آن بدگمانی به گروه بسیار وسیعی از ایرانیان است. این بدگمانی یک ویژگی غیر جنبشی این گروه‌هاست که سکتی (فرقه‌ای) می‌مانند، هرچند در کلام هدفی جنبشی را دنبال کنند.

سمبل امپریالیسم برای چپ‌های جهان سومی، آمریکا، و برای مذهبی‌ها، اسراییل است. و نگرش آن‌ها نسبت به این دو کشور سخت، یک بعدی و فرقه‌ای است و با حرکت جنبشی ناهمخوان. از همین رو برخورد آنان با ثروت‌های مادی و معنوی این دو کشور، که با تمدن بشری در هم تنیده شده است، آزاد، و بی‌طرفانه نیست.

در گذشته جنبش‌های ضدامپریالیستی، مسلکی یا مکتبی نبودند؛ در رابطه با منافع ملی ـ مانند نفت ـ بود که پیروان جنبش ملی با آمریکا یا انگلیس تضاد پیدا می‌کردند و گرنه شخصا و به اعتبار فرد، اندیشه ضدامپریالیستی نداشتند. چون این جنبش‌ها ملی و سراسری بودند، تضادشان با آمریکا مطلق نبود بلکه مشروط و نسبی بود. مشروط و نسبی بودن تضاد آن‌ها با امپریالیسم موجب می‌شد که نگرش آن‌ها به غرب و فرهنگ آن آلوده به پیش داوری نباشد و با دموکراسی مخالفت مسلکی پیدا نکنند. رهبران این جنبش‌ها با همخواهی با دموکراسی غربی از پلورالیسم مذهبی و سیاسی در کشور خود دفاع می‌کردند.

یعنی جنبش ضدامپریالیستی در گذشته قبل از اینکه ضدامپریالیستی باشد یک جنبش ملی بود و تضادش گرد اختلاف مشخص می‌چرخید مانند مورد کانال سوئز. به دلیل مشخص بودن مورد اختلاف است که حرکت‌های جنبشی، فرامسلکی‌اند. برعکس، مبارزه ضدامپریالیستی چون انتزاعی است خصلت ملی خود را از دست می‌دهد. ضدامپریالیست‌ها که در داخل نمی‌توانند ریشه بگسترانند، به هم‌کیشان خود در خارج از مرزها متکی می‌شوند. این گرایش فوق ملی، آن‌ها را در داخل بسته و در خود فروکاهنده می‌کند.

یکی از عواملی که مبارزه ضدامپریالیستی را در تنگنا قرار می‌دهد این است که تهاجم آمریکا به کشورهایی همچون عراق را از تعارض میان دموکراسی غربی و استبداد اعتقادی خیلی هم نمی‌توان جدا کرد. مبارزه گروه‌های مذهبی در عراق علیه تهاجم آمریکا، هرچند بر ضد تهاجم امپریالیستی است، ولی در همان حال ویژگی ضددموکراتیک هم دارد؛ مبارزه‌ای است به منظور استقرار استبداد و خفقان؛ و دست اندرکاران عمده آن بی‌فرهنگ و ارتجاعی اند.

یکی دیگر از عواملی که نظریه ضدامپریالیستی را در وضع دشواری قرار می‌دهد این است که این نظریه بر بنیاد ایدئولوژیک دفاع از محرومین مبتنی است و این رادیکالیسم مذهبی را با رادیکالیسم چپ در یک موقعیت مشترک قرار می‌دهد. ابتکار مبارزه ضدامپریالیستی هم، بر خلاف گذشته، در دست بنیادگرایی مذهبی است و این به تضعیف چپ در فرهنگ آزادیخواهانه می‌انجامد.

واژه‌های آمریکا و امپریالیسم هنگامی که واژه‌هایی ایدئولوژیک می‌شوند خرد پیروان خود را قفل می‌کنند. هم در شیوه نگاه به مسایل روزمره بی‌طرفی و روشن‌بینی آن‌ها را می‌گیرند و هم آن‌ها را مخالف دموکراسی در کشور خود می‌کنند. و از این راه مانعی بزرگ در راه تشکیل یک حزب گسترده سوسیال دموکراتیک غیر ایدئولوژیک بوجود می‌آورند. حزبی که می‌تواند راه جنبش ملی و سراسری را برای استقرار دموکراسی در کشور ما بگشاید.

نقل از پایگاه اینترنتی «ایران امروز»

خالی از شوخی

بقیه از صفحه ۳۱

تهران فرستاده است. این تاکسی‌های جدید فقط مخصوص مسافران خارجی و توریست‌ها هستند و ایرانیان عادی حق سوار شدن به آن‌ها را ندارند (مگر مویشان طلایی، چشمان‌شان آبی و انگلیسی‌شان عالی باشد)

در انتخاب این تاکسی‌ها موارد زیر رعایت شده است:

۱۰ ـ باید حتما کولر داشته باشد!

۹ ـ باید کمتر از هشت مسافر متعارف برای تاکسی‌های دیگر و حداکثر چهار نفر سوار کند!

۸ ـ باید بوی پا ندهد و آهنگ‌های روحوضی و بازاری و لوس‌آنجلسی پخش نکند!

۷ ـ باید پول کرایه را به دلار قبول کند (یورو هم قابل قبول است)

۶ ـ از زدن برچسب و تابلوهای مذهبی مثل «دست علی به همراهت» و یا «خدا قوت» استفاده نکند!

۵ ـ می‌تواند مسافر زن و مرد را با هم سوار کرده و در کنار هم قرار دهد!

۴ ـ رعایت حجاب در این تاکسی‌ها اجباری نمی‌باشد!

۳ ـ از مسافران با شامپاین ارمنی و خاویار دریای خزر پذیرایی شود!

۲ ـ خودروهای مورد استفاده باید جادار و بزرگ باشند تا خارجیان چاق و قد بلند راحت در آن‌ها جای بگیرند!

و شرط شماره یک برای تاکسی‌های جدید:

۱ ـ راننده تاکسی باید از بحث‌های سیاسی با مسافران و فحش دادن به سران جمهوری اسلامی (آنچنان که در تاکسی‌های عادی برقرار است) خودداری نماید تا پروانه کسب او باطل نشود!

مکالمات غذایی من و زنم

چند وقتی است که سر این قضیه شام با زنم حرفم شده و گفت و گو بین ما به علت دعوا و قهر بودن قطع شده است (درست مثل ایران و آمریکا منهای مسئله غذا و شام!)

مکالمات زیر درست قبل از قطع رابطه ما صورت گرفته بود:

از سر کار زنگ زدم به خونه و پرسیدم: عزیزم، امشب شام چی داریم؟

خندید و گفت: گشنه پلو!

با عصبانیت گفتم: دیشب هم که همین بود.

سرم داد کشید: می‌خواستی هر شب برات غذای تازه و جدید درست کنم؟!

***

از سر کار زنگ زدم به خونه و پرسیدم: عزیزم، امشب شام چی داریم؟

گفت: اصلا حال غذا درست کردن نداشتم. می‌خواهی زنگ بزنم پیتزا بیارن؟

با عصبانیت گفتم: می‌خواهی زنگ بزنم بچه‌ها از ایران برام «صیغه» بیارن؟

***

از سر کار زنگ زدم به خونه و پرسیدم: عزیزم، امشب شام چی داریم؟

گفت: چلو کباب.

گفتم: به‌به! دستت درد نکند، خیلی زحمت کشیدی!

گفت: نه زحمتی نبود. با چند تا از خانم‌ها رفتیم چلوکبابی و چون اکثرا رژیم داشتند نتونستند همه را بخورند. نصف غذایشان را برایت آوردم که گرم کنی و بخوری!

***

از سر کار زنگ زدم به خانه و گفتم: عزیزم. امشب آشپزی نکن و بگذار از این چلوکبابی ایرانی سر خیابان غذا بگیرم و بیارم خانه. باشه؟

بعد از چند ثانیه مکث گفت: هر جور دوست داری. ولی برای این لطفی که به من می‌کنی توقع بی‌جا از من نداشته باش چون آن موقع بخصوص از ماه است.

گفتم: پس من شامم را می‌خورم و یک خرده دیرتر میآیم!...

***

به زنم گفتم: من دیگه از این غذاهای آماده یخ‌زده خسته شدم. نمی‌شه یک چیز غیر یخ‌زده درست کنی؟

گفت: دفعه دیگه می‌گذارم اول یخش باز بشه و بعد می‌گذارم توی مایکروویو!

بخش آشپزی

طبق معمول همیشگی در این شماره هم چند دستور آشپزی را برای شما درج می‌کنیم. غذاهای این دفعه را از میان غذاهای خارجی انتخاب کرده‌ایم تا آن‌ها که از غذاهای ایرانی خسته شده‌اند استفاده‌ای ببرند.

کله گنجشکی سوئدی (سوئیدیش میت بال)

به یکی از رفقای خود در سوئد زنگ بزنید و بگویید حدود ۲۰ عدد کله گنجشک سوئدی را بریده و بعد از قرار دادن لای نایلون‌های یخ آن‌ها را با پست اکسپرس برای شما بفرستد.

بعد از دریافت بسته کله‌ها را در پیاز سرخ شده غلت دهید و به آن کمی نمک و فلفل و رب گوجه فرنگی اضافه نموده و بگذارید با چند لیوان آب بپزد. این کله‌ها را می‌توانید روی ماکارونی یا اسپاگتی پخته شده بریزید و سر سفره بیاورید.

توضیح: اگر این غذا را هنگام دریافت ماساژ سوئدی تناول کنید خوشمزه‌تر خواهد بود. نوش جان!

پاستا با سس آلفردو

در یک قابلمه یک بسته رشته ماکارونی را به مدت ۱۰ دقیقه در آب جوش پخته و از آب‌کش رد نمایید. رشته را به قابلمه برگردانده و بلافاصله به همسایه مکزیکی خود «آلفردو» زنگ بزنید و بگویید که سس خود را فورا به شما برساند تا روی مخلوط رشته و یک قوطی قارچ کنسرو شده ریخته و به هم بزنید. به آلفردو می‌توانید بگویید اگر شام ندارد غذایش را با شما بخورد. نوش جان!

شاتو بریان

این دستور آشپزی را به توصیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به علت این‌که در پخت آن از شراب استفاده می‌شود حذف کرده و امیدوارم پس از رفتن ملایان و یا پیشرفت اصلاح‌طلبی در ایران بتوانیم در آینده آن را برای شما درج کنیم. فعلا نوش جان طلبتان!